نگاه

هرج و مرج آیینی در نوروز

علی خوش‌تراش

■ آخرین روزهای سال از مفرح‌ترین و شادی‌بخش‌ترین روزهای یک‌سال کامل است که در گوشه‌گوشه دنیا بنا به سلایق و علایق مختلف مردم با ویژگی‌های منحصربه‌فرد قومی برگزار می‌شود. جشن‌های سال‌نو از معدود جشن‌هایی هستند که همه افراد یک ملت یا قوم را در بر می‌گیرند و به صنف، سن، جنسیت و حتی مذهب خاصی تعلق ندارند. این جشن‌ها از چند حیث تاریخی، تقویمی، اساطیری و آیینی قابل بررسی هستند اما المان‌ها و نشانه‌هایی در جشن، به‌ویژه در جشن سال‌نو به چشم می‌خورد که با واکاوی تاریخی و تقویمی و... سروکار ندارند بلکه به حوزه‌های نشانه‌شناسی، تاویل و اموری از این دست مربوط می‌شوند. در جشن‌های نوروزی که مشابه بسیاری از آیین‌ها در همه نقاط کشور برگزار می‌شوند، بازارها مهم‌ترین و اصلی‌ترین کانون‌های جنبش و حرکت و تکاپو در روزهای پایان سال به حساب می‌آیند. تلاطم و هیاهوی بازار در روزهای آخر سال چنان شتاب می‌گیرد که مردم ناخواسته در انتظار جنبشی غیراجتماعی و انسانی هستند؛ جنبشی که بیشتر ویژگی‌های رستاخیزی و آخرالزمانی به خود می‌گیرد. نشاط و شور جشن هر لحظه هم در بازار و هم در افراد اوج می‌گیرد و گام‌ها و قدم‌ها را به بازارها و پشت ویترین‌ها و هرجا که زرق‌وبرق بیشتری داشته باشد، می‌کشاند. افراد در خلسه‌ای فرو می‌روند و ناخواسته تن به نوعی دست‌ودلبازی و ولخرجی می‌دهند که سابقه‌اش را در روزهای دیگر سال نمی‌توان یافت. کالاها در بازارهای نوروزی نقشی نهادی و عمل‌گرا بازی می‌کنند و این نقش نهادی آنقدر قوی است که بر دیگر لوازم و اسباب مستعمل منزل نیز تاثیر می‌گذارد و آنها را نیز ناخواسته درگیر نقشی نهادی می‌کنند. با ورود کالای جدید تغییری در اولویت‌های شی‌ای و بصری محیط خانه اتفاق می‌افتد و شی تازه‌وارد در طلایی‌ترین نقطه نمایشگاهی خانه قرار می‌گیرد و تمام محیط را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد به حدی که هاله کالای نو می‌تواند بخشی از اتاق یا خانه را به اشغال خود درآورد و از وقوع اتفاقات پیشین در آن محیط جلوگیری کند و موجب عقب‌نشینی و تا حدی از خانه بیرون رفتن بعضی از کالاهای مستعمل شود، البته این خروج مربوط به بیرون رفتن کالا می‌شود نه بیرون کردن آن، عملی که از نهادوارگی شی مستعمل سر می‌زند نه شی تازه‌وارد و این بیرون رفتن تحت تاثیر از دست رفتن شی‌وارگی کالای مستعمل است نه موردتوجه‌بودن کالای نو. همان اتفاقی که در مراسم کوزه‌شکستن می‌افتد و بر ضرب‌المثل «نوکه اومد به بازار کهنه شده دل آزار» دلالت می‌کند. اما خلسه‌های شاد و مفرح جشن‌ها به‌ویژه جشن‌های پایان سال به همین‌جا ختم نمی‌شوند، کالاها بیش از آنکه ارزش مادی و شی‌وارگی و اقتصادی داشته باشند بیشتر ارزش آیینی پیدا می‌کنند و این ارزش‌های آیینی به جای آنکه پایا باشند و دوامی طولانی داشته باشند عمری کوتاه و بی‌هویت دارند. کالاهای نوروزی بنا به شرایطی پیش‌آمده (خاص زمانی ناخواسته) با ارزش و اعتباری کاذب در اختیار مشتریان قرار می‌گیرند و مشتریان بنا به سابقه و حافظه تاریخی انتظار گران‌شدن کالا را می‌کشند و این امر دال دیگری بر گران شدن کالاهای نوروزی می‌شود. این رازآمیزی و خلسه‌وارگی تا پایان آخرین شب سال ادامه دارد. اما با آغاز سال‌نو، هرج‌ومرج‌های پایان سال نیز به پایان می‌رسند و همه‌چیز روال عادی خود را در پیش می‌گیرد. خلسه‌ها جای خود را به رفتارهای اجتماعی می‌دهند. کالاها ارزش‌های جادویی خود را از دست می‌دهند و دیگر خبری از آن دست‌ودلبازی‌های پایان سال نیست. در روزهای آخر سال به دنبال هیجانات بیرونی که تحت تاثیر تبلیغات اصناف و بازارها هستند، افراد خواسته یا ناخواسته دچار هیجانات درونی داغ و گیج‌کننده‌ای می‌شوند که در کانون‌های تبلیغاتی آیینی و جلوه‌های تجاری ریشه دارند. با پایان یافتن هیجانات بازار و افت ناگهانی هرج‌ومرج بازارهای نوروزی، آتشفشان درونی افراد نیز یک‌باره فروکش می‌کند و یک نوع سرخوردگی و افسردگی آنی همزمان با آغاز سال‌نو جایگزین آن خلسه‌وارگی درگیر با جشن‌های پایان سال می‌شود. این جایگزینی به تعبیری تمامی رازوارگی و سحرآمیزی آیین‌های پایان سال را به نوعی باطل می‌کند. سحرآمیزی‌ای که پدیده‌هایی همچون گدایی، کلاه‌برداری و هرج‌ومرج آیینی را ایجاد می‌کند. با گذر زمان بیشتر این آیین‌ها دستخوش تغییرات و تحولات کم و بیشی قرار می‌گیرند. چه در سوژه و چه در ابژه، اما کلیاتی در این جشن‌ها وجود دارند که به همه تغییرات ساختاری و فرهنگی جوامع، همچنان در کنار این جشن‌ها زنده می‌مانند و شاید پویایی آنها بستگی به حضور همین پدیده‌های کوچک و بزرگ داشته باشد. مهم‌ترین آیینی‌هایی که می‌توان به عنوان مثال از آن نام برد، گدایی و هرج‌ومرج آیینی در پایان روزهای سال است. این گدایی آیینی، گاه با تغییر شکل و گاه بدون هیچ کم‌وکاستی در جشن‌های سال‌نو به حرکت خود ادامه داده است. طلب عیدی و نوروزی یا رسومی مانند قاشق‌زنی، شال‌اندازی و تقاضای انعام و... را می‌توان از جمله آیین‌هایی دانست که ریشه در گدایی آیینی دارند. از دیگر ویژگی‌های از این دست که گفته شد، هرج‌ومرج آیینی است. همان‌طور که در سطرهای بالا از آن یاد شد، ارزش‌گذاری کاذب و عدول کسبه و عامه از قوانین عادی و رایج شهری و هزینه‌کردن‌های بی‌رویه در دوران معاصر و دزدی و راه‌اندازی دسته‌های نمایشی و اجرای برنامه‌های مضحک و خنده‌داری مانند میر نوروزی و کوسه‌برنشین را می‌توان از جمله ویژگی‌های هرج‌ومرج آیینی دانست. به هر حال بازارهای نوروزی عرصه و جایگاهی برای نو کردن و خرید اجناس تازه نوروزی نیست بلکه عرصه‌ای برای فروش کالا به‌ویژه کالاهای بنجل و رودست مانده‌ای است که با زرق‌وبرق و جلوه‌ای افسون‌کننده که تحت‌تاثیر آیین دیگری که همان کلاه‌برداری آیینی است، در جایگاه غیرواقعی خود است.

سال نو را میزبان مرگ نباشید

۳ دلیل ساده برای نخریدن و نکشتن ماهی قرمز

الناز انصاری: سال ۹۰ آخرین روزهایش را می‌گذراند. خوب یا بد، حالا در این روزهای آخر کیفیت سالی که گذشت خیلی مهم نیست. مهم سالی است که گذشت و آرزوهایی است که در سال جدید شکل می‌گیرد. حالا چیدن سفره هفت‌سین آخرین کاری خواهد بود که در این سال انجام می‌دهیم. اولین کاری که قرار است در سال نو انجام دهیم نشستن سر این سفره است. این کار را سال‌های سال است که انجام می‌دهیم. رفتگان ما هم آخر سال و اول سال را با همین سفره به هم می‌دوختند و قبل‌تر از آنها هم همین‌طور. گیرم که آنها روی زمین سفره می‌انداختند و ما حالا روی میز. چه فرقی دارد؟ اما نه، یک فرق دیگر هم جز شکل ظروف و جنس سفره در ظاهر ماجرا هست. یک فرق تاریخی؛ یک فرق حیاتی که باید به وجدانمان گره بخورد، یک سنت بی‌پشتوانه تازه: «ماهی قرمز». ماهی قرمز از کجا راهش را کشید تا سر این سفره پُر سین، کسی نمی‌داند. عمر این سنت به ۸۰ سال هم نمی‌رسد. گذاشتن موجود زنده بر سر سفره هفت‌سین در هیچ یک از اسناد تاریخی مربوط به مراسم نوروز ایرانی وجود ندارد. انجمن موبدان تهران هم بعد از آغاز اعتراض‌ها و انتقادها از حضور ماهی قرمز برسر سفره‌های هفت‌سین، با ناشایست دانستن بهره‌گیری نادرست از موجودات زنده در باور زرتشتیان، اعلام کرد هیچ‌گاه چنین آیینی در مراسم ایرانی سنتی، بعد و پیش از حضور اسلام در ایران وجود نداشته است. بد نیست در همین روزهای آخر سال سری به موزه کاخ گلستان بزنیم. تابلو نقاشی‌ای که به قلم «شیخ حسین» در این موزه نگهداری می‌شود تصویری از یک سفره هفت‌سین ایرانی را نشان می‌دهد. این نقاشی آنچنان دقیق و با ظرافت جزییات این سفره را به تصویر کشیده که محال است فکر کنیم تنگ بلور و ماهی کوچک قرمز از قلم افتاده است. این نقاشی به تنهایی سند معتبری است که نشان می‌دهد ماهی قرمز هیچ جایی در سفره هفت‌سین ایرانی ندارد.

توجیه و توضیح

اگر از سنتی و آیینی نبودن این حضور مرگبار برای ماهیان بگذریم، باز توجیه‌های دیگری روی زمین می‌ماند که نمی‌شود سر آن را با این جملات که «بچه دلش ماهی می‌خواد»، و «حالا ما هم دلمون رو به همین چیزا خوش می‌کنیم» شیره مالید. بدن انسان واکنش‌های متفاوتی به باکتری‌ها و ویروس‌های زنده در بدن جانوران نشان می‌دهد. حیوانات خانگی و اهلی با واکسیناسیون، ناقل این بیماری‌ها نیستند، اما ماهیان و پرندگان می‌توانند خطر بیماری را داشته باشند. با توجه به اینکه خریداران ماهی قرمز معمولا از روش نگهداری و کنترل بیماری‌های مشترک انسان و آبزیان آگاهی ندارند، احتمال انتقال بیماری در آنان بسیار زیاد است. کودکان اولین قربانیان بیماری‌های پوستی و گوارشی هستند که از تنگ ماهی دوست داشتنی‌شان می‌گیرند. حالا فرض می‌گیریم که شما همچنان می‌خواهید برای خریدن این ماهی اصرار کنید. می‌گویید حاضرید برای عوض کردن آب ماهی از دستکش استفاده کنید، کودکان را کنترل کنید که سراغ تنگ کوچک ماهی نروند یا اصلا «بابا شلوغش نکنید ما که نشنیدیم کسی با این چیزا مریض شود.» بسیار خب! بیایید به وجدانمان رجوع کنیم تا شاید دست از سر این موجود بیگناه بردارید؛ ماهی‌ای که انشاءالله امسال نمی‌خریدش می‌تواند بدون اینکه هیچ آزاری به کسی برساند تا ۱۵ سال عمر کند. این ماهی چند روز در خانه شما عمر می‌کند؟ معمولا ماهی داستان ما در کمتر از یک ماه سر از سطل زباله خانه‌تان درمی‌آورد. یکی، دو روز اعصاب‌تان از دیدن ماهی‌ای که روی آب آمده خرد است و احیانا با این اتفاق اولین تصویر هولناک مرگ در نهاد کودک کوچک‌تان حک می‌شود. سال خوبی را شروع نکرده‌اید! ارزشش را داشت؟

چرا ماهی‌ها می‌میرند

جواب این سوال هرچه باشد این نیست که این ماهی به دنیا آمده بود تا مات و مبهوت و نیمه جان در تنگ خانه ما سر سفره هفت‌سین بچرخد. هیچ آدم خودخواهی فکر نمی‌کند این ماهی برای دلخوشی او زاده شده. معمولا می‌گویند این ماهی‌ها به دلیل غذای زیادی که می‌خوردند، می‌میرند. پُربیراه نیست. اما این همه ماجرا نیست. معمولا ما با دادن غذا به این ماهی سعی می‌کنیم حسن‌نیت خودمان را ثابت کنیم و از این راه با ماهی توی تنگ ارتباط بگیریم؛ از غذای مخصوص ماهی تا خرده نان و ذره‌ای از غذای خودمان، هرچه دستمان بیاید به این ماهی می‌دهیم. ماهی هم معمولا دست ما را رد نمی‌کند و ما از این موضوع و ارتباط ساده شاد می‌شویم و درست در لحظه‌ای که غره به روحیه لطیف و حیوان دوست خود هستیم پیکر نیمه جان ماهی را روی آب می‌بینیم. به سرعت آب تنگ را با آب سرد عوض می‌کنیم؛ ماهی که از تغییر دمای آب شوکه شده در اثر تغییر نبض و دمای بدنش پیچ و تاب می‌خورد و ما فکر می‌کنیم حالش خوب شده. به خدمات پزشکی ادامه می‌دهیم و در روشی واقعا حیرت‌آور تنگ را داخل یخچال می‌گذاریم. ۵دقیقه بعد جسد ماهی در یخچال آماده خاک سپاری است. اما لازم نیست خودتان را تنها مقصر بدانید، درست است که غذایی که به او خوراندید باعث مرگ او شد، اما در واقع این غذا روند مرگش را سریع‌تر کرد. شما چندین شریک جرم دیگر هم دارید. گناه شما خریدن این ماهی بود درحالی که هیچ چیز از زندگی و بدن این موجود زنده نمی‌دانستید. در واقع اگر این چیزها را می‌دانستید این ماهی را از سر خیابان در نایلون فریزر نمی‌خریدید. این ماهی که با نگاهی کارشناسانه سلامت و زبر و زرنگی او را در روز اول تشخیص داده بودید، مثل همه ماهی‌های بازار شب عید نیمه جان بود. شما یک ماهی نیمه زنده خریده بودید. سالم‌ترین این ماهی‌ها هم محکوم به مرگند. حالا چه در خانه شما چه در تشت آقای ماهی‌فروش. همه ماهیان و آبزیان به صدا و ارتعاشات آب حساسند. این حواس است که آنها را به محل زندگی، تخم‌ریزی و صید هدایت می‌کند و همین حس است که بزرگ‌ترین راز دریاها را شکل داده. دلفین‌ها از طریق همین حسگرهایشان پیچیده‌ترین ارتباطات را در اقیانوس می‌گیرند. حالا این ماهیان قرمز بیچاره را تصور کنید در حالی که در آرامش در استخری در قم یا کاشان یا شمال کشور تولید و رشد کرده‌اند، کیلومترها از جاده‌های گرم یا سرد را طی می‌کنند تا به محله شما در تهران یا شیراز یا هر شهر دیگری برسند. از های و هوی کارگران بگیر، تا تخلیه و بارگیری و صدای کامیون و آن همه دست انداز، تا مرحله‌ای که کارگران ماهیان درشت از ریز، بیمار از سالم و سیاه از قرمز را تفکیک کنند. تا بازار میوه و تره‌بار محل شما این ماهی اقلا دو، سه بار تا به حال سکته کرده است. این ماهی سکته کرده را با قلبی که درست کار نمی‌کند، می‌گذاریم در یک تنگ کوچک و هر بار هم که رد می‌شویم شوخ‌طبعانه ناخنی به دیواره تنگ می‌زنیم. مثل اینکه شما در یک اتاق کوچک آلومینیومی هستید و یکی لبخند به لب و در حالی که می‌گوید چطوری کوچولو، هی پتک آهنی‌ای را به دیوار سلول‌تان بکوبد، خوشتان می‌آید؟

مبارزه برای روح بی‌قرار قرمزها

حدود ۱۰ سال است که هر سال در همین روزها هشدارهایی برای نخریدن ماهی قرمز و غیرقانونی بودن فروش آن در رسانه‌ها منتشر می‌شود. سال‌ها دوندگی دکتر «مهرناز عطری» مدیر «ان‌جی‌او»ی مهر ایران، در ادارات دولتی منجر به واکنش این نهادها در اعلام محدودیت برای فروش این ماهیان شد. پیش از این نیز قوانین صریحی وجود داشت که مثلا شهرداری‌ها را از خرید و فروش هرنوع موجود زنده‌ای از مورچه گرفته تا فیل ممنوع می‌کرد. اما این مقررات همچنان اجرا نمی‌شوند و هر ساله میلیون‌ها ماهی توسط کسانی که از شهرداری کیوسک یا دکه‌ای اجاره کرده‌اند، فروخته می‌شود. اگرچه تا ما خریدار این موجودات باشیم، به هرحال ماهی هم هست و قابل فرض است که قاچاقچیانی پیدا شوند که مثلا زنگ بزنیم و دو تا ماهی قرمز به قیمت ارث پدرمان بیاورند دم خانه‌مان، اما بی‌شک مسوولیت نهادهای دولتی سرجای خودش باقی است. نهادهای متولی سلامت و بهداشت جامعه و نیز متولیان محیط زیست مهم‌ترین اهرم‌های فشار و ابزارهای کنترل بیماری و حفظ حقوق و دارایی‌های زیست‌محیطی هستند. مدارک موجود در چند سال اخیر نشان می‌دهد این سازمان‌ها در اعلام ممنوعیت و کنترل تولید و عرضه این موجودات بسیار کند و گاه غیرمفید عمل کرده‌اند. کسی نمی‌داند مرگ بی‌حاصل میلیون‌ها قطعه ماهی در کمتر از یک ماه چه سودی برای ادارات و سازمان‌های دولتی دارد که در مقابل آن سکوت کرده‌اند یا در بهترین حالت بخشنامه‌هایی صادر کرده‌اند که دست‌کم نتیجه آن را در خیابان‌های این شهر نمی‌بینیم. از سوپری‌ها بگیرید تا گلفروش‌ها و میوه‌فروش‌ها و کاسبان دوره گرد همه شب عید ماهی‌فروش می‌شوند. این فعالیت‌ها بر خلاف قوانین اصناف است و طبق قوانین فقط آکواریوم‌دارهایی که پروانه کسب دارند مجاز به فروش ماهی هستند. یکی از آخرین اقداماتی که معاونت آبزیان در دامپزشکی برای محدودیت و نه ممنوعیت فروش ماهیان قرمز انجام داده، ارایه راهکارهایی برای فروش و انتقال این ماهیان است. قطعا ممنوع کردن فروش این ماهیان که نه منبع تغذیه ما هستند و نه در نبود آنان مثلا به سنت و آیینی توهین می‌شود بسیار راحت‌تر از این است که در چند صفحه راهکاری غیرقابل اجرا ارایه شود. در یکی از این راهکارها به کنترل بهداشتی منابع تولیدکننده، کنترل بهداشتی مراحل حمل و نقل، نظارت بهداشتی بر مراکز عرضه و فروش و اقدامات آموزشی پرداخته شده است. طبق راهکار پیشنهادی باید چندین مجوز دامپزشکی برای منابع تولید و توزیع‌کنندگان صادر شود. همچنین باید غذادهی به ماهیان ۴۸ ساعت قبل از حمل قطع شود، از مواد معدنی برای حمل ماهیان استفاده شود، دمای تانکر حمل‌کننده ۱۸ تا ۲۰ درجه بماند و اکسیژن محلول حداقل پنج‌میلی‌گرم در لیتر باشد و... بله اینجاست که یادی می‌کنیم از شعارهایی که در انقلاب می‌دادند که ما می‌گیم شاه نمی‌خواییم نخست‌وزیر عوض می‌شه. آخر برادر من! خود شما باور می‌کنی که مثلا در سفر چندصد کیلومتری این ماهیان شاگرد آقای راننده هر دقیقه می‌پرد پایین و دمای آب ماهی را می‌گیرد که از ۱۸ درجه پایین‌تر و از ۲۰ درجه بالاتر نرود؟ بعد گیرم که از این شهر به آن شهر آب تانکر سه درجه بالا و پایین شد (که می‌شود)، آب جوش بریزد توی تانکر؟ یخ بیندازد؟ اصلا این شوفر ما را چه به این کارها. حالا امیدواریم به سر کسی نزند که دستگاه پرورش ماهی قرمز بفروشند به مردم تا ماهی را همزمان با سبز کردن سبزه توی خانه تولید کنند. مشکل اصلی در حمل و نقل و بعد نگهداری از این ماهیان است. این کاری نیست که مردم با بخشنامه یاد بگیرند. گیرم که از استخر تا شهرها هم این ماهیان مثل شاهزاده‌ای خوشبخت حمل شدند، فقط هم آکواریوم‌دارها آن را فروختند، خب حالا قرار است مردم برای نگهداری از ماهیان کارگاه آموزشی بگذرانند که هم خودشان سالم بمانند و هم یک موجود بیگناه را نکشند؟ اگر مردم را از خطرات این خرید سهل و آسان آگاه کنید راحت‌تر از این همه کاغذبازی نیست. این ماهیان که قرار نیست آمار اشتغال را بالا ببرند که بخواهیم از کنار این ماهیان کار بتراشیم. بماند که در چند سال آخر دامن این تجارت سیاه به مارهای آبی و لاک‌پشت‌ها هم کشیده شده است. یک لاک‌پشت آبی باید بیش از ۲۰ سال زنده بماند تا دو تخم لاک‌پشت بگذارد. ما در دو ماه این زندگی نادر را تباه می‌کنیم تا عده‌ای از فروش آنها کاسبی کنند.

ما هم مسوولیم

خانم‌ها، آقایان! بیایید فکر کنیم که اصلا فروش این ماهی‌ها نه ممنوع است و نه ممنوع خواهد شد. هر موجود زنده‌ای نیازمند نگهداری است. ما به سادگی می‌توانیم عمر یک شاخه گل را در خانه به نصف عمر مفیدش برسانیم، همه ما تجربه خشکاندن گلدان‌هایمان را داریم، شاید بارها از سر دلسوزی سگ بیمار یا گربه‌ای را به خانه آورده‌ایم و بیمارتر از خانه رانده‌ایم. ماهی موجودی بسیار حساس است و جای زندگی آن یک تنگ یکی، دو لیتری با آب شیر و با هر دمایی نیست. شاید آنچه از حساسیت ما در مورد زندگی ماهیان می‌کاهد، شرایط زیست متفاوت ماهی است. اگر ما و هر موجود هوازی دیگر می‌توانیم زخم‌ها و دردهایمان را نشان دهیم، ماهیان هیچ راهی برای بروز اینکه رنج می‌کشند، ندارند و ما هر نشانه‌ای از آنان را به فال نیک می‌گیریم. هیچ خیری که در این کار نیست، بیایید از خیر نداشتن ماهی قرمز توی تنگ بگذریم. هر لذتی هم که در تماشای این ماهیان نیمه جان باشد، در دیدن صحنه مرگ او که ما هم مسوول آن هستیم زایل می‌شود. ما مسوول مرگ این موجود زنده هستیم و هیچ توجیهی مرگ یک زندگی را موجه نمی‌کند. اگر ما به جای این سنت زجرآور، سنت تازه‌ای جایگزین کنیم و در تنگی که سال‌ها سر سفره گذاشته‌ایم یک سیب سرخ، به نشانه زندگی بگذاریم، دیگر طمع فروش این ماهیان هم کسی را وسوسه نمی‌کند که میلیون‌ها ماهی را برای مرگی زودهنگام پرورش دهد. نگذارید مرگ یک جاندار، اولین واقعه تلخ سال نوی خانه شما باشد.

حقوق حیوانات و ماهی قرمز سفره «هفت‌سین»

رضا شیرازی

چند سالی است که با نزدیک شدن به نوروز، مباحث مربوط به ماهی قرمز سفره هفت‌سین همه‌گیر می‌شود. نزدیک به یک دهه قبل عده‌ای برای کاهش درد و رنج این حیوان به بهانه نوروز، ماهی قرمز را موجودی آلوده و بیماری‌زا معرفی کردند! با رنگ باختن این دیدگاه، ماهی قرمز چینی و وارداتی شد، برخی برایش گونه جایگزین معرفی کردند و برخی تحریمش کردند، فارغ از اینکه عدم تمرکز بر مساله حقوق حیوانات و ارایه راهکارهای جانبی شرایط ماهی قرمز را بدتر کرده است.

ماهی قرمز و مسایل زیست‌محیطی

ماهی قرمز نمونه تزیینی‌شده کپورماهیان است و به شکل فعلی زیستگاه طبیعی ندارد. این ماهی در طول هزاران سال زندگی در کنار بشر در چین و ایران [خاستگاه اصلی محل تردید است] توسط ساکنان آسیای شرقی دچار تغییرات ظاهری شده و به مرور زمان تزیینی‌تر شده است. ماهی قرمز مقاوم و همه‌چیزخوار است و رهاسازی آن در زیستگاه‌های طبیعی منجر به خورده شدن تخم، لارو و غذای گونه‌های دیگر توسط این‌گونه مورد هجوم قرار گرفته و اثرات سوء بر گونه‌های بومی رودخانه‌ها و زیستمندان عرصه‌های طبیعی دارد. در گذشته دید صرفا زیست‌محیطی برخی افراد و گروه‌ها، تلاش برای نجات ماهی قرمز هفت‌سین را نوعی احساس‌گرایی صرف تعبیر می‌کرد. منطق فعلی فعالان حقوق حیوانات و بررسی علمی، اخلاقی و منطقی این مساله در سال‌های اخیر منجر به اصلاح این دیدگاه شده است.

مسایل پزشکی

برخلاف آنچه تاکنون برای کاهش خرید ماهی قرمز گفته شده است، در دهه اخیر هیچ مورد ابتلا به بیماری خاص که مستندا از ماهی به انسان منتقل شده باشد وجود نداشته است. تبلیغ بیماری‌زایی ماهی قرمزی که هرگز خطرناک پنداشته نمی‌شد، منجر به ایجاد واهمه اجتماعی و بدبینی به تمام حیوانات شهری نظیر سگ و گربه شد که نتیجه تاسف‌برانگیزی در موذی خواندن و برخورد با این حیوانات داشته است. همچنین مقبولیت اجتماعی حامیان حیوانات را با شک و تردید همراه کرده است.

مسایل اخلاقی

آزار و کشتن حیوانات امری غیراخلاقی است. به دلیل وجود سیستم عصبی، جانوران درد و رنج را حس می‌کنند. نسبت به محرک‌های دردآور و آزارنده عکس‌العمل نشان می‌دهند و جهت ایجاد تغییر در شرایط آزارنده تلاش می‌کنند. این تلاش گاه به شکل فرار است و گاه به شکل برخورد متقابل (نیش زدن، گاز گرفتن و...). ماهی قرمزی که با شرایط فعلی تولید می‌شود، برخلاف حق طبیعی‌اش، امکان تلاش برای حفظ جان و موجودیتش را دارا نیست و در تنگ‌های محدود شیشه‌ای با تنگی نفس مزمن دست به گریبان است. به دلیل نگرش کالاگونه به آن در پروسه تولید و توزیع هیچ‌گونه توجهی به جان و آسایش این موجود نمی‌شود.

مسایل فرهنگی و تاریخی

مسایل تاریخی - فرهنگی مرتبط با ماهی قرمز نیاز به بررسی بیشتر و رسیدن به اجماع متخصصان دارد. برخی آن را موجودی وارداتی می‌دانند که ۸۰ سال قبل وارد ایران شده و برخی سابقه ماهی قرمز در ایران را بیش از ۲۵۰۰ سال می‌دانند. گاه یک تابلوی نقاشی کمال‌الملک نقش سند تاریخی ایرانی نبودن ماهی قرمز هفت‌سین را بازی می‌کند و گاه تصویر کپور ماهیان بر ظروف مکشوفه تاریخی سند صدور این‌گونه از ایران به چین می‌شود. با این حال گویا هیچ کشور حوزه نوروز تاکنون چنین رسمی نداشته است.

مسایل قانونی

هر سال سازمان حفاظت محیط‌زیست رسما اعلام می‌کند که فروش ماهی قرمز توسط دست‌فروش‌ها و مراکز غیرمجاز اکیدا ممنوع است. با این حال مشاهدات روزمره سطح شهر نشان از عدم برخورد کافی و بازدارنده با این تخلف دارد. امکانات یگان حفاظت برای برخورد با میزان بالای خرید و فروش غیرقانونی ماهی قرمز کافی نیست. نیروهای انتظامی نیز عملا این جرم مشهود را نادیده می‌گیرند. شاید تربیت نیروی واکنش سریع در گارد سازمان و حذف بروکراسی صدور حکم ماموریت، همچنین صدور دستورالعمل‌های انتظامی مبنی بر برخورد ناجا با این تخلفات پاسخ قابل قبولی باشد در برابر این تخلف پرشمار. به هر روی نظارت و برخورد با سرشاخه‌ها منطقی‌تر و قابل کنترل‌تر به نظر می‌رسد.

مسایل مذهبی

هیچ نگرش دینی آزار و کشتن بی‌دلیل حیوانات را مجاز نمی‌داند. در دین اسلام بر محبت با جانداران تاکید بسیار شده است. روایات بسیاری از برخورد معصومین با آزار حیوانات وجود دارد و بخشی از نهج‌البلاغه به حقوق حیوانات اختصاص دارد. سیره معصومین سرشار از احترام به حق حیات جانداران بوده و پیامبر و ائمه توجه خاصی به رفاه حیوانات داشته‌اند. در آیین کهن ایرانی زرتشت نیز حق حیات جانداران گرامی داشته شده و رسوم قابل توجهی در زمینه حقوق حیوانات و رفاه حیوانات وجود دارد. براساس ضوابط اسلامی ماهی قرمز حیوانی پاک محسوب می‌شود و حتی مدفوع، جسد و اعضای آن نیز نجس نیست.

مسایل آموزشی

ماهی قرمز از معدود حیوانات مورد تایید عموم اقشار ایرانی است. این موجود زیبا تنها حیوانی است که سالانه به خانه تمام ایرانیان وارد می‌شود و می‌تواند در صورت برخورد صحیح، بانی آموزش محبت به حیوانات برای کودکان باشد. عمر بالای این حیوان، کم‌آزار بودن و نیاز کمتر به رسیدگی روزانه در مقایسه با سایر حیوانات خانگی و همچنین هزینه پایین نگهداری آن، می‌تواند آن را به یکی از جذاب‌ترین و ماندگارترین حیوانات خانگی تبدیل کند اما شرایط حاضر به گونه‌ای است که فرزندان ایران نه تنها ماهی را موجودی با قابلیت زندگی ۴۰ ساله نمی‌بینند، بلکه با اشتباه و کم‌کاری بزرگ‌ترها، حامیان حیوانات و مسوولان، ماهی قرمز را در حد یک کالای تزیینی چندروزه می‌بینند.

خرید و فروش

حیوان به عنوان کالا به هیچ عنوان مورد تایید مجامع جهانی حامی حقوق حیوانات نیست. دید به حیوانات باید دید اخلاقی به یک موجود جاندار باشد که درد و رنج، گرسنگی و بیماری، ضربه و ایراد صدمات بدنی را درک می‌کند. به دلیل قیمت بسیار پایین ماهی قرمز و تولید انبوه آن، عملا تلاشی برای حفظ سلامت و جان ماهی نمی‌شود و با شلیک توپ آغاز سال نو، بازمانده ماهی‌ها که برای فروشنده سودی ندارند به جوی خالی از آب یا مجاری فاضلاب سپرده می‌شوند تا بمیرند.

تولید صنعتی حیوانات

تولید صنعتی به مفهوم تولید انبوه در مراکز محدود مورد تایید هیچ ارگان فعال در زمینه حقوق حیوانات نیست. در فرآیند تولید انبوه، حقوق، آسایش و رفاه تک‌تک حیوانات اهمیتی ندارد و این آمار تولید و خروج از مرکز پرورش است که اهمیت پیدا می‌کند. تولید میلیونی ماهی قرمز به صورت سالانه و آمار تاسف‌بار و غیرقابل باور از مرگ قریب به اتفاق این ماهی‌ها گواه بی‌دقتی در تولید و توزیع این جانداران است.

راه‌حل

ماهی قرمز یک‌شبه بر سفره هفت‌سین جای نگرفته است. منطقی است فعالان حقوق حیوانات با مدیریت زمان‌دار و برنامه‌ریزی‌شده به صورت اصولی برای اصلاح وضع موجود اقدام کنند. ایجاد ترس و برخورد صرفا احساسی اقدامی ناپایدار است که تبعات ناشناخته‌ای بر حقوق حیوانات در پی خواهد داشت.

در کوتاه‌مدت

باید تلاش شود با آگاهی‌رسانی عمومی از درد و رنج ماهی‌های تولید و توزیع‌شده کاسته تا حد ممکن نسبت به تهیه و معرفی حوضچه‌های جایگزین اقدام شود. اقدام جدی جهت نظارت موثر بر نحوه تولید، توزیع و فروش ماهی قرمز انجام شده و مشروط به بازدارنده بودن جرایم و احکام قضایی، با فروشنده و توزیع‌کننده‌های غیرمجاز و غیرقابل نظارت برخورد جدی شود. از ایجاد جو دشمنی با اعتقادات عمومی جلوگیری شود. روش نگهداری صحیح و اصولی ماهی‌های توزیع‌شده تا پایان عمر طبیعی تبلیغ شود.

در میان‌مدت

اقدام عملی جهت اصلاحات فرهنگی، مصوبات قانونی بازدارنده آزار حیوانات، سیستم پایش و کنترل در تعامل با مراجع قانونی انجام شود. مطالعه جدی بر تاریخچه ماهی قرمز و نوروز انجام و اجماع صاحب‌نظران، مورخان و ایران‌شناسان در زمینه ماهی قرمز سفره هفت‌سین و امکان یا عدم امکان حذف آن از سفره هفت‌سین حاصل شود.

در بلندمدت

مسایل فرهنگی، آموزشی و اعتقادی که در کوتاه‌مدت غیرقابل تغییر هستند بررسی و هرگونه اشتباه موجود اصلاح شود. با انجام پایش و چک و بازرسی دقیق با هرگونه آزار، کشتار و نقض حقوق ماهی قرمز برخورد بازدارنده و قاطع شود. دیده‌بان حقوق حیوانات به عنوان مرجع رسمی حقوق حیوانات معتقد است شرایط حاضر ماهی قرمز قابل قبول نیست. همچنین در صورت تشخیص صاحب‌نظران مبنی بر حضور ماهی قرمز بر سفره هفت‌سین، این حضور شرایطی دارد که در نظر گرفتن حقوق و رفاه حیوانات در تمامی مراحل تولید، توزیع و نگهداری به عنوان کف خواسته‌های دیده‌بان حقوق حیوانات خواهد بود.

پنجره

آماده‌باش اورژانس‌های بیمارستانی در نوروز

■ **ایسنا:** وزیر بهداشت از آماده‌باش کامل اورژانس‌های بیمارستانی و پیش بیمارستانی در ایام نوروز خبر داد. دکتر مرضیه وحیددستجردی با اشاره به تدابیر اتخاذشده برای ارایه خدمات درمانی در ایام عید گفت: بیش از دوهزار پایگاه اورژانس ۱۱۵ در ایام عید در آماده‌باش کامل قرار دارند. تمام مرخصی‌ها لغو شده و آمبولانس‌های اورژانس کشور در فواصل ۳۰ تا ۳۵کیلومتری جاده‌ها مستقر هستند. وی گفت: همچنین اورژانس‌های بیمارستانی در آماده‌باش کامل قرار دارند. در این زمینه ابلاغیه‌هایی به تمام دانشگاه‌های علوم پزشکی داشته‌ایم. تیمی از سوی معاونت درمان از یک ماه گذشته اورژانس‌های بیمارستانی و پیش بیمارستانی را مورد بررسی قرار داده‌اند. وزیر بهداشت تاکید کرد: تمام خدمات اورژانسی، بستری، خدمات درمانی و اعمال درمانی به خوبی در بیمارستان‌های سراسر کشور انجام می‌شود و مشکلی در ارایه خدمات درمانی وجود نخواهد داشت.

«نوروز» همراه با باد شدید و گردوغبار

■ **ایسنا:** مدیرکل پیش‌بینی و هشدار سریع سازمان هواشناسی کشور نسبت به بروز پدیده گردوخاک در حداقل ۱۸ استان کشور هشدار داد. مهندس عبدالرضا امیدوارشهری افزود: با تشکیل یک توده گردوخاک در عراق، پیش‌بینی می‌شود طی بعدازظهر شنبه گردوخاک در استان‌های کردستان، کرمانشاه، ایلام، خوزستان و سپس بوشهر و آذربایجان‌غربی و در روز یکشنبه علاوه‌بر مناطق فوق در استان‌های آذربایجان‌شرقی، زنجان، همدان، لرستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و اصفهان و سپس مرکزی، قزوین، البرز، تهران و سمنان را تحت‌تاثیر قرار خواهد داد و سبب کاهش دید افقی و افزایش غلظت آلاینده‌های هوا در این مناطق می‌شود. وی افزود: از عصر شنبه تا روز دوشنبه در استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد، خراسان‌جنوبی، جنوب خراسان‌رضوی و شرق هرمزگان باد شدید همراه با توفان گردوخاک پیش‌بینی می‌شود. وی با اشاره به اینکه تا روز یکشنبه کاهش محسوس دما در نیمه شمالی رخ خواهد داد گفت: تا روز دوشنبه در اغلب مناطق کشور به‌ویژه شرق و جنوب‌شرق وزش باد شدید همراه با گردوخاک خواهیم داشت. از سوی دیگر در این مدت خلیج‌فارس مواج خواهد بود. مدیرکل پیش‌بینی و هشدار سریع سازمان هواشناسی کشور افزود: بر این اساس در روز یکشنبه آسمان تهران نیمه‌ابری همراه با وزش باد در ارتفاعات بارش پراکنده به‌تدریج کاهش ابر پیش‌بینی شده است که حداقل و حداکثر دما در این روز با پنج درجه کاهش به ۱- و هشت سانتیگراد می‌رسد. همچنین در روز دوشنبه نیز آسمان پایتخت کمی ابری در پاره‌ای نقاط نیمه‌ابری گاهی با وزش باد خواهد بود که حداقل و حداکثر دما در این روز به صفر و ۹ درجه سانتیگراد می‌رسد.

ادامه از صفحه اول

سعید مرتضوی مدیرعامل «صندوق تامین اجتماعی» شد

سعید مرتضوی در سال‌های آخر سمت دادستانی‌اش در تهران در سال ۸۸ متهم پرونده جریانات بازداشتگاه کهریزک شد. پرونده‌ای که حضور او را به عنوان یک چهره دولتی در هر سمتی تا تعیین تکلیف برای این پرونده ملغی کرد اما او اندکی بعد به ریاست سازمان مبارزه با قاچاق کالا و ارز منصوب شد. مرتضوی طی دو سال اخیر سکوت پیشه کرده بود؛ در تیرماه گذشته از سوی دفتر مرتضوی، مطلبی برای برخی نشریات ارسال شد و در آن رفع اتهامات وارده به خود را درباره مسایل بازداشتگاه کهریزک اعلام کرد؛ چند روز گذشته نیز خبر تبرئه شدن او از تمامی اتهاماتش نقل محافل خبری شد اما این خبر با واکنش یکی از چهره‌های اصولگرا و پدر یکی از خانواده‌های قربانیان کهریزک روبه‌رو شد.

واکنش روح‌الامینی به حکم جدید مرتضوی

به دنبال انتشار خبر احتمال انتصاب مرتضوی در تامین اجتماعی، عبدالحسین روح‌الامینی خبر لغو قرار منع تعقیب سعید مرتضوی در پرونده کهریزک را در حد شایعه دانست و اعلام کرد که در صورت صدور چنین حکمی، قطعا به آن اعتراض می‌کند. به گفته او سعید مرتضوی در چند شعبه پرونده دارد که یک مورد مربوط به شکایت آقای کامرانی است که قرار منع تعقیب از سوی بازپرس صادر شد و آقای کامرانی هم به آن اعتراض کرد اما پرونده دیگر مربوط به کهریزک است که در دادسرای انتظامی قضات مفتوح است و تاکنون درخصوص صدور لغو منع تعقیب هیچ خبری به اینجانب و آقای جوادی فر یا وکلای ما اعلام نشده است. پدر محمد کامرانی یکی دیگر از قربانیان حادثه کهریزک در واکنش به انتصاب احتمالی مرتضوی به ریاست سازمان تامین اجتماعی به «مهر» گفته بود: «حداقل دولت تا اعلام نتیجه دادگاه صبر می‌کرد و بعد به مرتضوی پست می‌داد.» با این اوصاف، به‌نظر می‌رسد فصل تازه‌ای پیش روی صندوق تامین اجتماعی (بزرگ‌ترین صندوق بیمه‌ای کشور) و مدیرعامل جدیدش گشوده شده که دامنه آن در سال ۹۱ را نیز دربر خواهد گرفت. بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی از دوره دولت هشتم که در مرز شش هزار میلیارد تومان بود تا پایان سال جاری به ۳۰هزار میلیارد تومان رسیده است. شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی (شستا) یکی از جمله منابع درآمدی صندوق تامین اجتماعی و یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های سرمایه‌گذاری ایران است که وضعیت مالی آن در سال‌های اخیر با ابهاماتی همراه بوده است.